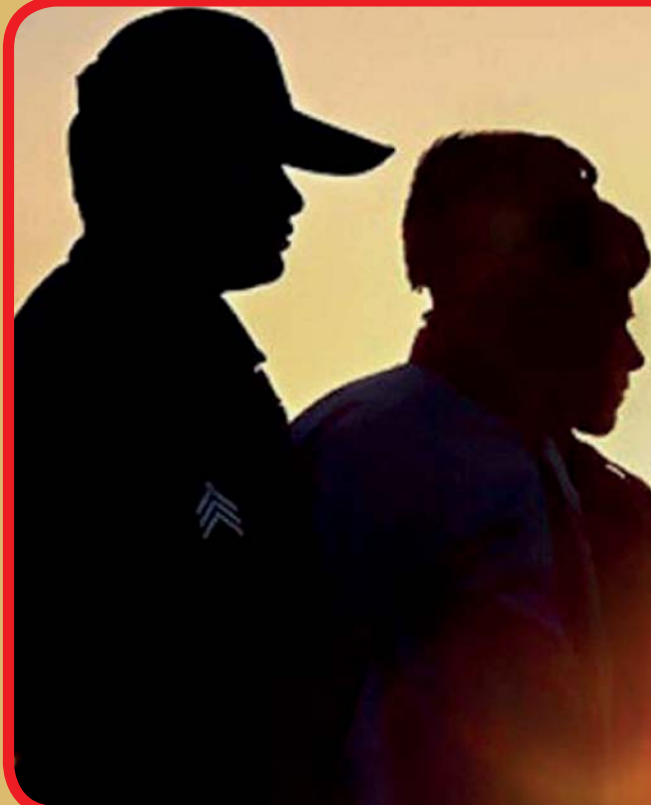


# نجات بخش



چهارپایه را از زیر پای قاتل پسرش بکشد، لحظه شماری می‌کرد. سرانجام روز اجرای حکم فرارسید. سعی کرد تا صبح بیدار بماند اما یک لحظه چشمانش سنگین شد و به خواب رفت. احسان را در خواب دید. در محلی سرسبز، شاد ایستاده بود و به مادر نگاه می‌کرد. مادر به سمتش دوید و او را در آغوش کشید و احسان گفت: به حرمت امام حسین (ع) قاتلم را ببخش.

سحرگاه وقتی طناب دار را بر گردن قاتل انداختند، فریاد زد به حرمت امام حسین (ع) بخشیدم. طناب از دور گردن قاتل باز شد و به زندگی برگشت.

این هفته ماجرای بزرگواری پدر و مادران داغداری را روایت کرده ایم که به حرمت اهل بیت (ع) از اجرای حکم قصاص قاتل فرزندان خود گذشتند. اولیای دمی که اتفاقات یا نشانه‌هایی از جنس باورها، تصمیم‌شان برای اجرای حکم را تغییر داد.

## بخشش در دهه کرامت

۸۲ در دفاع از برادرش در مقابل مردی که با او اختلاف حساب پیدا کرده بود، مرتکب قتل به زندان افتاد. ۱۱ سال از زندانی بودنش می‌گذشت. همه امیدش این بود معجزه‌ای مدد و این بار از قصاص رها شود، چراکه اگر این دفعه رضایت نمی‌گرفت، قصاصش قطعی بود. هم خسته شده بود و هیچ امیدی به بخشش نداشت.

ان با دهه کرامت، خدامان حرم امام رضا (ع) به شهرستان زرنده کرمان آمده بودند. عو قصاص مرد جوان به خدامان اعلام شد و آنها شبانه راهی خانواده مقتول شدند. طلوع آفتاب قرار بود بعد از ۱۱ سال حکم قصاص اجرا شود.

دهه مقتول که ۱۲ نفر بودند، سه خواسته داشتند: معرفی همدست قاتل، یک میلیارد، دیه و خروج قاتل برای همیشه از کرمان. خانواده قاتل هیچ پس‌اندازی نداشتند که خانواده مقتول بدهند. ساعت‌ها می‌گذشت تا این‌که تا ساعت ۳/۵ بامداد خدامان با خانواده مقتول حرف زدند. برخی از آنها رضایت دادند اما برخی دیگر حق را به مادرشان اما یکی از فرزندان مقتول که متوجه حضور خدامان شده بود، شب را پشت در زندان تا با طلوع خورشید بالاخره قاتل پدرش را قصاص کند و با خدامان امام هشتم (ع) نشود تا دلش بلرزد و ببخشد.

ان در تلاش بودند تا اینکه یک ساعت قبل از اجرای حکم توانستند از ۱۰ نفر از اولیای دم بگیرند. دو عضو دیگر خانواده هم با اطلاع از این بخشش قبول کردند قاتل را ببخشند.

## بخشش با پادرمیانی خدامان رضوی

هشت سال قبل یک نگاه کافی بود تا دو جوان در گلوگاه باهم درگیر شوند، پسر جوان چاقویی از جیبش در آورد و محمدرضا را با ضربات چاقو به قتل رساند. با تکمیل تحقیقات در دادسرا، جلسه دادگاه برگزار شد و محمود در مورد روز حادثه و قتل محمدرضا مدعی شد: «نگاه چپ و اختلاف قدیمی باعث شد باهم درگیر شویم. اختلافات قدیمی کینه محمدرضا را همیشه برای من تازه نگه می‌داشت، کنترلی روی اعصابم نداشتم و با چاقو چند ضربه به او زدم که باعث مرگش شد.»

با اعترافات قاتل، قضات دادگاه پسر ۲۰ ساله را به قصاص محکوم کردند. پس از هشت سال زمان اجرای حکم فرارسید و پسر جوان آماده اجرای حکم شد. خانواده مقتول پس از حضور کاروان خدامان امام رضا (ع) و به حرمت امام هشتم، شش ماه به قاتل فرصت دادند.

روز یکشنبه ۲۶ بهمن پس از پایان مهلت، قاتل بار دیگر به پای چوبه‌دار رفت. این بار اولیای دم به حرمت امام رضا (ع) برای همیشه قاتل را بخشید.

پس از این اقدام، اولیای دم از سوی آستان قدس رضوی، خدامان افتخاری حرم امام هشتم شدند.

## عفو به احترام مادر سادات

آذر سال ۹۳ دو دوست قدیمی به یک عروسی دعوت شدند. در مراسم عروسی بحثی بین آنها بالا گرفت و درگیر شدند.

پسر جوان، دوست ۳۲ ساله‌اش را مقابل چشم مهمانان با چاقو کشت و در مراسم دستگیر شد. با حکم دادگاه پسر ۳۳ ساله به جرم کشتن دوستش به قصاص محکوم شد. خانواده مقتول پنج سال بعد در بهمن ۹۸ با فراهم شدن شرایط قصاص، طناب دار را به گردن قاتل پسرشان انداختند تا او قصاص شود اما دقایقی قبل از اجرای حکم به حرمت ایام فاطمیه و حضرت زهرا (س) قاتل پسرشان را بخشیدند و به او زندگی دوباره دادند.

## گذشت به حرمت اهل بیت (ع)

رفته بود تا زن میانسال را از ازدواج موقت با برادرش منصرف کند اما وقتی چشمش به برق طلاهای زن ۵۰ ساله افتاد، تصمیم به قتل او و سرقت از همسر موقت برادرش گرفت. نصیر متهم است سال ۹۲ یک زن را خفه کرده و به قتل رسانده است. شش ماه پس از جنایت او هنگام بازگشت از خارج کشور، دستگیر شد و به قتل زن میانسال اعتراف کرد.

مرد جوان گفت: برادرم برای کار به تهران آمده بود ولی بعد از چند وقت متوجه شدم زن ۵۰ ساله‌ای وارد زندگی او شده و با هم ارتباط دارند. او همه حقوقش را خرج زن میانسال می‌کرد. روز حادثه برای صحبت با زن جوان وارد خانه‌اش شدم اما برق طلاهایش من را گرفت، به همین خاطر او را خفه و طلاهایش را سرقت کردم و به خارج رفتم. شش ماه بعد بازگشتم اما دستگیر شدم.

با گذشت شش سال از جنایت، خانواده زن میانسال به حرمت امام حسین (ع) قاتل او را بخشیدند و به او زندگی دوباره دادند.



قاتل را به حرمت حضرت فاطمه (س) و ایام فاطمیه بخشیدم. وقتی در دلم او را عفو کردم حالم خیلی خوب شد. دوست نداشتم یک پدر و مادر دیگر هم مثل من داغ جوان‌شان را ببینند

